

بزرگترین گورستان دریایی

مرگ هزاران نفر در دریای مدیترانه؛ کشتاری هدایت شده توسط اتحادیه اروپا

نویسنده: انیا رسی

مترجم: مصی ش.

در روزهای اخیر تراژدی‌های جدیدی دریای مدیترانه را لرزاند. هنوز بر ۳۰۰ مهاجر غرق شده در چهارده آوریل می‌گریستیم که کشتار جدید دیگری در شب هیجده و نوزده آوریل در کانال سیسیل، بین لیبی و ایتالیا اتفاق افتاد. گارد ساحلی خیر از کشته شدن ۷۰۰ تا ۹۰۰ نفر را می‌دهد. در تاریخ بیست آوریل، قایقی دیگر که حداقل حامل ۱۰۰ نفر بوده است، در یونان نزدیک رودز غرق می‌شود. آنچه که این روزها اتفاق می‌افتد، باید قتل‌عام نامیده شود، نه مرگی اجتناب‌ناپذیر. قتل‌عامی که توسط قوانین شدید امنیتی اتحادیه اروپا و دولت‌های ناسیونالیست عضو آن در بروکسل، تحت نام «مهاجرت غیرقانونی» هدایت می‌شود.

جبری در کار نیست! [این مرگ‌ها اجتناب‌پذیر هستند]

این فجایع انسانی نتیجه مستقیم بسته‌شدن مرزهای اروپا توسط تصمیمات اتحادیه اروپا و رهبران‌شان می‌باشد. مرزها به روی هزاران هزار انسان که از جنگ و فلاکت فرار می‌کنند، بسته شده است. جنگ و فلاکتی که کشورهای امپریالیست اروپایی در آن مسئولیت سنگین و خونینی را به دوش می‌کشند، چگونه می‌توان نقش این دول را در آشوبی که در لیبی برقرار است، انکار کرد؟ چگونه می‌شود مسئولیت امپریالیسم را در برپایی جنگ‌های فعلی، گذشته و یا جنگ‌های فرسایشی در ساحل عاج، عراق، سوریه و یا سومالی انکار کرد؟

در حالی که برای سیل عظیمی از انسان‌ها ورود قانونی به اروپا غیرممکن شده است، صدها هزار تن از کسانی که از جنگ و خشونت فرار می‌کنند، برای رسیدن به اروپا از طریق جاده‌هایی خطرناک و طولانی با پرداخت پولی کلان تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند؛ این مهاجرین با به خطر انداختن جان خود سفر به

غایت سختی را در پیش می‌گیرند. در واقع اروپا با ندادن ویزا، آنان را محکوم به چنین سفر پرمخاطره‌ای کرده است، سفری که در آن خطر سرقت، گرسنگی، سرما، تجاوز و مرگ بیداد می‌کند. سفری که توسط قاچاقچیان بی‌وجدان، که گذران زندگی‌شان از طریق قاچاق انسان است، ترتیب داده می‌شود.

مهاجرت غیرقانونی، یک سیاست ریاکارانه و جنایت کارانه

سال‌هاست که پس از هر تراژدی، رهبران اروپا جلسات «اضطراری» می‌گذارند تا علیه شبکه‌ها و قاچاقچیان و مهاجرت غیرقانونی راه‌کاری را در پیش بگیرند. اما مهاجرت غیرقانونی چه چیزی جز محصول بسته‌شدن مرزها می‌باشد؟ مبارزه‌ی واقعی با مهاجرت غیرقانونی به رسمیت‌شناختن مهاجرت است. اما این سمت و سوی نیست که رهبران اروپا اتخاذ کنند. در عوض، ما می‌شنویم که در حال حاضر از مبارزه با قاچاقچیان، محاصره نظامی سواحل شمال آفریقا و کنترل بیشتر ...، اقداماتی که باز باعث کشته‌شدن بیشتر مهاجرین خواهد شد، صحبت می‌کنند.

از عملیات مرنسترم تا تریتون

از آغاز سال جدید تا کنون، ۱۶۵۰ نفر در طول عبور از مدیترانه جان خودشان را از دست دادند و «فصل زیبا» تازه شروع شده است. در واقع در بهار و تابستان، غرق‌شدن قایق‌ها دو برابر می‌شود. از آنجا که شرایط بهتر آب‌وهوا این امکان را برای صاحبان قایق‌ها ایجاد می‌کند که عبور بیشتر و دسته جمعی را برنامه‌ریزی کنند و همچنین تعداد دواطلبان سفر هم بیشتر است؛ و از آنجا که قایق‌ها اغلب کهنه و شکسته هستند، و با توجه به تعداد زیاد مسافری که هیچ ربطی به گنجایش واقعی این قایق‌ها ندارند خطر غریق دو چندان می‌شود، بنابراین باید منتظر غرق‌شدن بیشتر قایق‌ها باشیم.

سال ۲۰۱۴، سال رکورد مرگ و میر مهاجرین در دریای مدیترانه بود: ۳۴۰۰ نفر سال گذشته جان خود را در راه عبور از مدیترانه از دست دادند، و این مسئله باعث شده است که دریای مدیترانه، با وجود عملیات مرنسترم و تریتون، به عنوان خطرناک‌ترین و کشنده‌ترین مسیر مهاجرت در دنیا شناخته شود.

مرنسترم عملیاتی بود با اهداف «بشردوستانه» که توسط نیروی دریایی و گارد ساحلی و ماموران گمرک ایتالیا و دولت انریکو به کار گرفته شد، که چندان کارایی نداشت و با وجود این عملیات ۶۰۰ نفر جان خود را از دست دادند.

با توجه به اصل کنترل توسط ارتش ایتالیا بر آب‌های کانال سیسیل بین جزیره لامپه‌دوزا و سواحل لی بی، وظیفه اصلی این برنامه عملیاتی تنها امنیتی کردن منطقه بوده، بلکه یاری رساندن و نجات دادن افراد در

دریا بوده است. طبق آمار وزیر کشور این عملیات به ۱۰۰,۰۰۰ مهاجر یاری رسانده است که بین این تعداد ۶۰۰۰ کودک بوده است، امری که البته مانع نشده است تعدادی [از آنها] پس از اقامت در بازداشتگاه از کشور اخراج شوند. این برنامه یا عملیات یاری‌رسانی در اکتبر ۲۰۱۴ به بهانه‌ی هزینه زیاد متوقف شد. دولت رنزی هزینه زیاد این عملیات را، ۱۰ میلیون در سال، بهانه قرار داد و مطرح کرد که قصد ادامه‌ی این برنامه را بدون کمک مالی اتحادیه اروپا ندارد و از طرف دیگر، افرادی در خود دولت و هم‌چنین افرادی در اتحادیه اروپا (بیشتر راست‌گرایان) مرنسترم را در نقش «پلی» برای جلب بیشتر کاندیداهای مهاجرت از افریقای شمالی دانستند و خواهان توقف این عملیات شدند.

این‌چنین بود که مرنسترم در نوامبر ۲۰۱۴ با یک برنامه متوسط همراه با بودجه‌ی ۲,۸ میلیون یورو) و در چهارچوب آژانس اروپایی فرانتکس به نام تریتون جایگزین شد، این برنامه هدفش نجات جان انسان‌ها نیست، بلکه هدف اصلی‌اش امنیت سواحل و مبارزه با مهاجرت است.

تنها راه‌حل، گشودن مرزهای اروپا

با توجه به بزرگی این ترژدی‌ها، غیرممکن است که مانند لورا بلدرنی، یکی از شخصیت‌های چپ ایتالیا و رئیس مجلس نمایندگان، بازگشت به برنامه مرنسترم را به عنوان تنها راه‌حل مدنظر بگیریم. دقیقاً بدین خاطر که آن عملیات ترکیبی نیمه بشردوستانه و نیمه ارتشی، کاری جز تأیید کشتار افراد در دریای مدیترانه در گذشته و حال نمی‌تواند انجام دهد. مسله‌ی مهم فقط نجات جان انسان‌ها در مدیترانه نیست، بلکه زیر سوال بردن سیاست خارجی‌ستیزی‌ست که مرزهای اروپا را می‌بندد.

بنابراین چالش و پرسش اصلی این است که اصل سیاست بیگانه‌ستیزی و امنیتی که اروپا در پیش گرفته است، زیر سوال قرار گیرد و با آن است که باید مبارزه شود، چنین سیاستی که توسط رهبران سیاسی و دولتی پیاده می‌شود، چاره‌ای برای صدها هزار نفر مهاجر در حال فرار از جنگ و بازداشت و شکنجه باقی نمی‌گذارد، جز راه بیابان را در پیش گرفتن، راهی که صدها هزار نفر در آن جان‌شان را از دست می‌دهند، و یا برای مدت‌هایی مدید در مناطق خاص در دست قاچاقچیان لیبی، مصر و مراکش نگاه داشته می‌شوند، جایی که مورد آزار و اذیت از سرقت تا تجاوز و شکنجه و دیگر سوءاستفاده‌ها و تبعیض قرار می‌گیرند و اینگونه مدت‌ها در انتظار می‌مانند تا نوبت عبورشان برسد. بعد به صاحبان قایق تحویل داده می‌شوند که آنان نیز به نوبه‌ی خود از مهاجرین اخاذی می‌کنند، مهاجرینی که تنها امیدشان پیوستن به سیسیل و سواحل مالت است، و پس از چند روز تحمل سرما و گرسنگی ... یا قایق‌شان غرق می‌شود و یا اگر شانس بیاورند توسط کشتی‌ای تجاری و یا یک کشتی جنگی نیروی دریایی ایتالیا دستگیر می‌شوند. و اگر هم عبور

به خوبی انجام شود و زنده بمانند، باز در معرض انواع و اقسام رنج و تبعیض و نقض حقوق انسانی، یعنی یک سری از قوانینی که «نمایندگان سیاسی» ما برایشان تدارک دیده‌اند هستند.

برای جنبش کارگری و جوانان، در زمانی که دست‌راستی‌های افراطی رو به رشد هستند و سیاست امنیتی را در داخل و در مرزها پیاده می‌کنند، همبستگی طبقاتی با خواهران و برادران مهاجر نه تنها یک ضرورت سیاسی است، که یک ضرورت انسانی است. بازگشت به برنامه مرن‌سترم به تنهایی کافی نیست، بلکه باید به «مهاجرت غیرقانونی» به مثابه جرم پایان داده شود و حق رفت و آمد آزاد گذاشته شود، این یعنی پایان دادن به داشتن ویزا که حق هیچ انتخابی را جز پذیرش راه‌های پرمخاطره‌ی سفر برای مهاجرت باقی نمی‌گذارد.

و البته کسانی که از این سفر پرمخاطره جان سالم به در می‌برند، در ادامه وضعیت یک کارگر بدون اقامت را با خود حمل می‌کنند که وضع اسفبار دیگری است. راه‌حل واقعی، بازگشایی مرزها برای تمام کسانی که به دلایل گوناگون مجبور به فرار از کشورهای خود هستند می‌باشد و نیز به کارگرفتن بودجه‌ای که صرف کنترل مرزها، سرکوب و مبارزه با مهاجرت می‌شود، در جهت بهبود اجتماعی و اقتصادی مهاجرین که در اروپا اقامت می‌گزینند. اعطای اقامت به تمام کسانی که هیچ برگ و مدرکی ندارند و برخوردار کردن آنان از حقوق کامل اقامت و شهروندی.

۲۱ آوریل ۲۰۱۵

* این مقاله ترجمه‌ای از این منبع است:

[Le plus grand cimetière marin / Enea Rossi](#)